

دیوان

غزل

واعظ

www.ketab.ir

دکتر سید رضا واعظی

سرشناسه	: واعظی، سیدرضا، -
عنوان و نام پدیدآور	: دیوان غزل واعظ/سیدرضا واعظی.
مشخصات نشر	: کرج: پژوهش اخوت، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۱ ص.
شابک	: 978-622-6615-67-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: ۸۲۶۳PIR
رده بندی دیویی	: ۶۱/ ۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۳۳۳۴۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

www.ketab.ir



دیوان غزل واعظ

ناشر: پژوهش اخوت

شاعر: دکتر سید رضا واعظی

تاریخ چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۱۵-۶۷-۹

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

روبروی پردیس کشاورزی دانشگاه تهران، کرج

حق چاپ محفوظ

مسئولیت صحت همه مطالب، با شاعر است.

به نام خدایی که عشق را آفرید

مقدمه‌ی شاعر:

در تاریخ ادبیات آمده: خواستگاه غزل، ابیات اولیه‌ی قصایدی است که شعرای دربار حکام برای مدح حاکم می‌سرودند و مختصر نویسی قصاید برای آن بوده تا حوصله‌ی شنونده سر نرود. در آغاز مضمون غزل بیشتر در تعریف از یار و یا شکوه از دوری او بود ولی با گذشت زمان عناوینی دیگر همچون پند و اندرز و عرفان نیز به موضوعات این شعر افزوده شد.

از آنجایی که سرودن شعر توسط شاعر دست او نبود و وابسته‌ی الهام آن به وی است، لذا بعضی از غزل‌ها را نمی‌توان حتی در چهار مقوله‌ی فوق‌الذکر قرار داد که اینجانب آنها را در بخش مجزایی به نام «خاص» گنجانده‌ام. انسان‌ها یا عاشق‌اند یا معشوق هر دو یا هیچ‌کدام.

در پایان آرزومندم تا شما خواننده‌ی گرمی در میان این چهار گروه در گروه عاشق و معشوق توأم باشید.

خواننده‌ی گرمی؛ در صورت تمایل خواهشمندم فقط از طریق پیامک و نه تماس تلفنی، شاعر را از نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود بهره‌مند نمایید.

شماره ارسال پیامک: ۰۹۱۲۱۶۷۵۵۷۷

با آرزوی بهترین‌ها

دکتر سید رضا واعظی (واعظ)

اردیبهشت ۱۴۰۰

متولد تهران، کدملی ۰۰۴۰۸۳۹۸۲۶

فهرست

۹	فصل غزل های عرفانی
۱۰	ای آنکه به هرجا نگرم لطف تو مشهود
۱۰	خدایا منعمم گردان به قربت
۱۲	یارب از ما بندگان رویت متاب
۱۳	عشق عاشق بی نهایت ماندنیست
۱۴	دلم تنگ است و دارد دل هوای دیدن دوست
۱۵	در روایت آمد از قرآن کتاب
۱۶	به خدا بگو خدایا برسان حلال نانی
۱۷	مال دنیا نیستی عشق تو انسان
۱۸	فصل تعریف و تمجید از یار
۱۹	ماه گلزار بهاری تو فقط زیبایی
۲۰	فقیری منعمم از دولت عشق
۲۱	من سر از پا نشناسم تو به دیدار من آیی
۲۲	گل خجل شد ندهد بوی گلستان ترا
۲۳	ترا من دوست دارم صادقانه
۲۴	سرخوشم آن دم که بوسم روی دوست
۲۵	آن که چشمان ترا نیک تماشایی کرد
۲۶	لب شیرین تو گر جام می لمس کند
۲۷	پر ز چین شد بس جبینم همچو مویت
۲۸	به دلم نگفته بودی به خدا که دل ربایی
۲۹	مرا ای خسرو خوبان شما دیوانه کردی
۳۰	ما منتظر دیدن گل روی تو باشیم
۳۱	من ترا بیشتر از چشم خودم میخوام
۳۲	من از امروز شدم عاشق بی حد جمالت
۳۳	گلی آراستی خود بلبل ات دیوانه تر شد
۳۴	در کار دل ما نبود هیچ خطایی
۳۵	گل شده شرمگین ز خود پیش تو از لطافت
۳۶	گشتم ندیدم از تو نکوتر یگانه بی
۳۷	گلی کم در گلستان ندیدم
۳۸	با تو باشم زندگی شیرین و زیباست
۳۹	تو دلیلی ز من از عشق خواه و تو نگار
۴۰	در کنارت کی تواند غم به ما کاری شود
۴۱	دفتر من قطره بی از آب دریای تو شد
۴۲	دل به هم داده و در هر دو جهان آزادیم

۴۳	صنما دل به شما باخته ام.....
۴۴	مرا ناامید و دل را زیر و رو کرد.....
۴۵	ز هر انگشت یار ما بریزد صد هنر.....
۴۶	فصل دوری از یار.....
۴۷	کاش بودی رنج فقدان نبود.....
۴۸	شب آن گاهی که رویش را عیان کرد.....
۴۹	من ندیدم که ترا سیر ز پیشم رفتی.....
۵۰	یاد باد اوقات شیرین رفاقت یاد باد.....
۵۱	ردای عشق او را هر که پوشید.....
۵۲	خداحافظ نگارم الوداع.....
۵۳	آن که هر روز بسوزد ز غمت یار منم.....
۵۴	سلطان نشود همدم ما خرده نگیریم.....
۵۵	اگر قلبم شکستی با حقارت ای رفیق.....
۵۶	ای دلم با این غم دیرین بساز.....
۵۷	ز دل سوخته از هجر تو بر خاسته دود.....
۵۸	دیدمت روزی که با بیگانه یی همسر شدی.....
۵۹	دست ما کوتاه و خرما بر نخیل.....
۶۰	تو ز من دور شدی مانده دلم با تو ولی.....
۶۱	لحظه بی هم نشود عشق تو از دل برود.....
۶۲	با دلم گو چه کنم ساده ز من دل کنیدی.....
۶۳	بیا یارا پناهی ده مرا از این دل تنگ.....
۶۴	دریای محبت به ترا نیست کرانی.....
۶۵	از تو ای جانان جانان پاسخی خواهم چرا.....
۶۶	از من شما چه دیدی کز عاشقت بریدی.....
۶۷	بی تو دارد دل من با همه عالم سر جنگ.....
۶۸	بی تو باشد بی الف جانم جهانم.....
۶۹	مدتی هست که یارا تو به ما سر نزدی.....
۷۰	بی تو رنگ از صورت گلها پرید.....
۷۱	هرگاه که شبهای غمت بی تو سحر شد.....
۷۲	این چنین کرد دلم را به فغان آوردش.....
۷۳	گریه کردم از فراق زبیر باران.....
۷۴	در این جا آسمان پر ابر و بارانی ست.....
۷۵	در شب تارم چو ماهی بود و نیست.....
۷۶	یادت نرود در دل عاشق شده است.....
۷۷	بنگر مرا برای خودت ای صنم فدایی.....
۷۸	ای مهربان ز دستت کاری اگر برآید.....
۷۹	نالم ز فراق تو و هجران تو محبوب.....

۸۰	با لطف چون دوائی درمان من نمایی
۸۱	یارا نرود عشق تو در هر نفس از یاد
۸۲	رنگ خون دل ما چون لب یار است چرا
۸۳	گل من نیست چرا نغمه ی بلبل شنود
۸۴	شده اشکم فقط از داغ فراق تو روان
۸۵	عاشق داده دل به یادت شب خود سحر کند
۸۶	قد بلندی گر چه بودم چون سپیدار
۸۷	از من نرسد هیچ گزندی به کسی
۸۸	فصل پند و اندرز
۸۹	ساغر عشقی ننوشد آن که در بند هواست
۹۰	ای که زیبایی به زیبایی مبال
۹۱	توفیق وصل جانان حاصل شود به زحمت
۹۲	خواه رزقت از خدا افزون شود
۹۳	گر همسفر عشق شدی مرد سفر باش
۹۴	از تجارب بهر فردایت اگر درسی نگیری
۹۵	بار هر شاخی بود بسیار کرنش می کند
۹۶	تو با من می شوی ما هر خواهی
۹۷	بدست آوردن دل خوب و ولایت
۹۸	هر کسی کو بذر عشقی را نکاشت
۹۹	به نرمی می توان سوراخ کردن سنگ را
۱۰۰	مرو راهی که پایت را بیندند
۱۰۱	خواهای کسی باش که خواهان تو باشد
۱۰۲	اخلاق و ادب دین و حیا دانش هر کس
۱۰۳	تا کی شده یی مورچه ی پول به انبار
۱۰۴	محترم نیست که احسان کسی رد بکنی
۱۰۵	زندگی باید نباشد این چنین
۱۰۶	دل مبندی خوب رویان را وفا نیست
۱۰۷	گر نبخشی با چه رویی طالب رحم از خدایی
۱۰۸	گوش دخلت باشد و خرجت زبان
۱۰۹	آن کار نکو فعل ثواب تو کجاست؟
۱۱۰	خدایا منعم گردان به درویشی و قربت
۱۱۱	فصل غزل های خاص
۱۱۲	خوشا آنان که از دنیا بریدند
۱۱۳	نظری نیست ز یارم دل من گشته کباب
۱۱۴	چه میشد با نگاهی مرهمی بر دل زنی
۱۱۵	خدایا عاشقش گشتم نه با سختی نه غامض
۱۱۶	قهر کردی نادمم برگرد ای جانان من